



نگاهی به

کتاب

«پدیده شناسی

فقر

و

توسعه»

۱۲۵



کتاب پدیده‌شناسی فقر و توسعه، چندی پیش از سوی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی منتشر شد. پیشینه این کتاب به حدود سالهای ۶۷ برمی‌گردد. یکی از محققان و دست‌اندرکاران این مجموعه، گزارشی در رابطه با سیر پژوهش و تدوین، این کتاب داده است که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

تحقیق در این باره، به حدود سال‌های ۱۳۶۷ به بعد برمی‌گردد. در آن سالها دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، تصمیم گرفت گروهی از جوزویان را که دارای کارنامه تحصیلی سال چهارم دبیرستان (دیپلم) بودند، برای انجام مطالعات اقتصاد اسلامی گرد هم آورد. برای این منظور کلاسهای فشرده‌ای در طول سه سال به طور منظم و مرتبه برگزار شد و دانش‌جویان در این کلاسها دروس ریاضیات، آمار، اقتصاد خرد و کلان، توسعه و تکنولوژی، فقه (مسائل ویژه اقتصادی) اقتصاد اسلامی و... را فراگرفتند و معادل ۶۸ واحد دوره آموزش دروس تخصصی اقتصاد را گذراندند.

ار جمله آموزشهای این دوره، کتاب «اقتصادنا» از اواخر جلد اول تا پایان جلد دوم و همچنین کتاب «الحیة» از آغاز جلد سوم تا پایان جلد ششم بوده است. پس از دوره‌های آموزشی، طرح پژوهشی فقر و توسعه به دفتر تبلیغات داده شد و آن‌گاه مقدمات انجام تحقیقی درباره ابعاد گوناگون این طرح فراهم آمد. نخست کتابهای فراوان و مجلات بسیاری در این زمینه شناسایی گردید و منبع‌شناسی لازم در کتابخانه‌ها بعمل آمد و فیش‌برداری توسط افراد گروه از صدها جلد کتاب و مجله آغاز شد.

استاد محمد حکیمی با همکاری دو تن از فاضلان حوزه و دانشگاه بر این تحقیق نظارت داشتند. مرحله فیش‌برداری چند سال طول کشید و سپس فیشها موضوع‌بندی و تقسیم شدند و

زمینه برای نگارش مقالات و تدوین کتاب فراهم آمد و بر این کار نظارت پیوسته از سوی استاد محمد حکیمی صورت گرفت و تهیه مقاله‌ها با ویرایش علمی و ادبی ایشان همراه بود.

این تحقیق زمان زیادی به طول انجامید تا این که به صورت کتابی در ۴ جلد (حدود دو هزار صفحه) به انجام رسید. هر چند بر اثر برخی مشکلات چاپ کتاب به تأخیر افتاد و در اوج نیاز به بحثهای فقر و توسعه کتاب انتشار نیافت، لیکن هم‌اکنون در دسترس دانش‌پژوهان و کسانی که مسائل فقر و توسعه را پیگیری می‌کنند قرار دارد.

مطالعه این کتاب برای همه مدیران اجتماعی و دولتمردان بایسته می‌نماید بویژه برای قانون‌گذاران کشور تا در قوانین و برنامه‌ریزیها از آن سود جویند و نقطه‌های تاریک و مبهم را درست دریابند.

همچنین یجاست عالمان اسلامی نسبت به این دست مسائل



این نکته نیز در خور اهمیت است در اینجا یادآوری شود: که مستدرک بخش اسلامی این کتاب هم اکنون آماده چاپ می‌باشد. و در آن افزون بر از تعالیم قرآنی و حدیثی که در این کتاب آمده، احادیث فراوان دیگر شایان توجه است و گستره وسیعتری از این موضوع را روشن می‌کند و منبع با ارزشی برای مطالعات اقتصاد اسلامی به حساب می‌آید و از این رو پیشاپیش مطالعه این کتاب به دانش پژوهان توصیه می‌شود.

مستدرک بخش اسلامی که حدود نیمی از حجم این کتاب است و تنها نگرشهای اسلامی را دربر دارد، می‌تواند فشرده‌ای از این کتاب در طرح دیدگاههای اسلامی شمرده شود و کسانی که توفیق نیابند همه چهار جلد کتاب را بخوانند یا مطالعه مستدرک این طرح به نقطه نظرهای اساسی اسلامی آگاهی خواهند یافت.

امتیاز دیگر آن چنانکه یاد شد افزونی منابع اسلامی است که بسیار ارزشمند است. و انتظار می‌رود هرچه زودتر به جامعه فرهنگی و دانشگاهی و حوزوی و مدیران کشور عرضه گردد. آنچه در ادامه می‌آید، نگاهی گذرا بر عنوانهایی است که کتاب «پدیده‌شناسی فقر و توسعه» به شرح و بررسی آنها می‌پردازد.

جلد ۱:

جلد اول کتاب دارای ۱۸ فصل است. فصل نخست آن به موضوع شناسی فقر و توسعه می‌پردازد و مسائلی چون تعریف فقر، انواع آن و شاخصهای فقر و توسعه بررسی می‌شود. در این فصل؛ نظام تولید ناکارا، سطح تغذیه نامطلوب، سرمایه ناکافی، رشد جمعیت ناهمگون، مسائل اشتغال و توزیع درآمد و پدیده‌های آموزش، فرهنگ، آزادی‌های سیاسی به عنوان شاخصها در این زمینه مطرحند و آن‌گاه اهداف و استراتژی‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

فصل دوم از دیدگاه اسلامی به پدیده فقر می‌نگرد و همراه با یادآوری واژه‌ها و اصطلاحات در این باره به تعریف انواع فقر می‌پردازد.

در فصل سوم، سطح زندگی که با تغذیه، لباس و پوشاک، وسایل رفاهی، مسکن و آراستگی ظاهری مشخص می‌شود، به عنوان یکی از شاخصهای فقر و توسعه مطرح است. ناامنی و آشوب، نظافت و بهداشت، دارو و درمان، سطح سواد و آگاهی، کار و اشتغال از شاخصهای دیگرند که تعالیم اسلامی به آن‌ها پرداخته است. در نابرابریهای اقتصادی - اجتماعی، به عنوان یکی از شاخصهای آمده است:

«مصرف اسراف گریزانه خوراکیها و نوشیدنیهای رنگارنگ، توسط قشری خاص، و غرق شدن آنها در انواع نعمتها، هوسرانیها و خوشگذرانیها در آن جا که توده‌های مردم از حداقل ضروریات زندگی محروم‌اند و گرسنه به سر می‌برند... نشانگر جامعه ناسالم و رشد نیافته است... زمانی که امکانات رشد و زندگی، بازبچه ثروتمندان شود و به یغما رود و اموال و ثروتها در انحصار گروه‌های خاصی قرار گیرد که گرگ صفتانه و بی‌رحمانه به جان مردم افتند، و آنها را چون گرگان بدرند و زمین گیر کنند و فقر و تهیدستی روزافزون بر آنان تحمیل شود و

اطلاع و آگاهی داشته باشند و با ژرف‌نگری در آن به اصالت دیدگاههای اسلامی در این گونه مسائل پی‌برند و نظارت بر نوع قوانین و اجرای درست آن را بهتر بتوانند و به‌طور اصولی دریابند که در برنامه‌های فقرزدایی و پذیرایی رشد و توسعه چه جهت‌گیری‌هایی منظور شده است و راههای قانونی و راهکارهای اجرایی به کدام سوی می‌رود؛ به سوی محرومیت‌زدایی و کاهش دشواریها و تلخیهای زندگی آسیب‌پذیران و مهار آزمندی سودجویان و مال‌اندوزان، یا به سوی نادیده گرفتن تهیدستان و سود زواندوزان و دلباختگان ثروت‌های افسانه‌ای و بندگان دنیا و پول‌پرستان.

افزون بر این، نیک دریابند که اسلام چگونه و با چه معیارهایی به مسائل حیات انسان امروز پاسخ می‌دهد و در این راستا جامعیت دین را درست تبیین کنند و اندکی از مظلومیت اسلام بکاهند و از تعالیم آن به‌طور اصولی دفاع کنند. زیرا که بسیاری از موضوعات، مسائل و برنامه‌های اقتصادی در این کتاب مطرح گردیده و از داده‌های علمی و دریافتهای اسلامی بهره گرفته است.

کتاب «پدیده‌شناسی فقر و توسعه» با نگارشی روان و گویا بسیاری از مسائل فقر و توسعه را بیان کرده است و حوزویان و اساتید و دانشجویان و دولتمردان و مجریان و کارگزاران به خوبی می‌توانند از آن استفاده کنند و بر ژرفای دانش و گستره آگاهیهای خویش بیفزایند.

از ویژگیهای متمایز این کتاب مقالات بخش اسلامی آن است که در آن موضوعات فقر و توسعه با نگرش اسلامی آمده و به تعالیم اسلامی مستند شده است و در هر مورد می‌توان شواهد زیادی را از آیات و روایات مشاهده کرد و از این نظر منبع و مرجع مهمی است برای همه کسانی که می‌خواهند از تعالیم اسلامی درباره اقتصاد و شیوه نگرش اسلام به مسائل حیات این جهانی انسان بویژه موضوع مهم رشد و توسعه و عقب‌ماندگی آگاه شوند.

اقدامات اساسی برای نجات محرومان انجام نپذیرد، فضایی در روابط اقتصادی - اجتماعی میان مردم پدید می آید، و جامعه‌ای شکل می گیرد که دین از آن بیزار است و برای آنان سرانجامی جز سقوط و هلاکت نمی توان انتظار داشت» (۱)

امکان یا عدم امکان توسعه مستقل فصل چهارم کتاب است. دو نظریه عمده در این زمینه وجود دارد. از سویی؛ سلطه نظام سرمایه داری، قهری انگاشتن عقب ماندگی برخی از کشورها و ناتوانی جهان سوم در برابر دنیای غرب و عملکرد ناجوانمردانه و بی رحم امپریالیسم جهانی با اهرم شرکت‌های فراملیتی و برخی از نشانه‌های دیگر توسعه مستقل را ناممکن می نمایاند و از دیگر سو؛ آسیب پذیری جهان سرمایه داری و تضادهای درونی آن و برخی از اقدامات به ظاهر انسانی غرب و پدیده جهانی سازی و تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه، امکان توسعه را تقویت می کند.

در فصل پنجم نظریه امکان رشد و پیشرفت در پرتو تعالیم اسلامی و جهان بینی توحیدی مطرح می گردد و در آن چنین آمده است:

«مؤمنان عقیده مندند که مردمان صابر و باایمان و سخت کوش می توانند بر قدرتهای پوشالی چیره شوند... و ایستادگی در برابر آنها راه نجات و استقلال است... ترس از قدرتها و تسلیم شدن نسبت به کارهای ناشایست آنان و فراهم سازی زمینه برای تاخت و تازهای دنیاخواران ندای شیطان است... رستگاری، هدایت و فرجام نیک از آن انسانهای دینی است، ستمگران سرنوشتی جز هلاکت و نابودی ندارند... تاریخ زندگی بشر... گواهی صادق بر این ادعاست... ساز و برگ نظامی و هباهوی تبلیغاتی، جنجال های سیاسی و زرق و برق صنعت و تکنولوژی دنیامداران در برابر عظمت و قدرت الهی چیزی نیست و ذره‌ای به حساب نمی آید» (۲)

فصل ششم به استراتژیهای توسعه در جهان سوم می پردازد و به تعریف و ضرورت آن اشاره می کند و انواع استراتژیها را برمی شمارد و مزایا و کاستیهای هر کدام از آنها را یادآور می شود. در این فصل، استراتژی برون گرا، درون گرا، توسعه کشاورزی، توسعه صنعتی، همگرایی منطقه‌ای، توسعه صادرات، جایگزینی واردات و استراتژیهای رشد متعادل و رشد نامتعادل مورد بررسی قرار می گیرد.

در فصل هفتم با نگرش به تعالیم اسلامی چنین آمده است:

«از آن جا که انسان تواناییهای شگفت و اعجاب برانگیز دارد، و از سویی امکانات خداداد زمین و طبیعت تا کنون، آنگونه که باید شناسایی و بررسی نگردیده، و برای آدمی ناشناخته است، می توان اذعان داشت که سامان زندگی آدمی نیازمند پیگیری مجموعه‌ای از استراتژیهاست... کشاورزی، صنعت و تجارت به هم مربوطند، رشد هر کدام از آنها زمینه برای رشد دیگری را مناسبتر می سازد، و به این ترتیب استراتژی توسعه دینی - یا وجود شرایط و امکانات - استراتژی مختلط است، که به تناسب توانمندیها، هر بخش می تواند نوساناتی یابد» (۳)

فصل هشتم به اصول و راهبردهای توسعه اختصاص یافته است؛ که مهمترین محور آن دگرگونی و اصلاح نظام سیاسی

است و همراه آن تلاش همگانی، توسعه انسانی (با محوریت تحول فرهنگی، آموزشی، خردگرایی و شکوفاسازی استعدادها)، مسائل مربوط به کشاورزی و صنعت، فقرزدایی، سیاستگذاریهای کلان جامعه، خودکفایی و خوداتکایی و آینده نگری مدنظر قرار گرفته است.

در فصل نهم اصلاح نظام سیاسی تبیین شده است:

«در تعالیم دین اصلاح نظام سیاسی نخستین گام هر انسان برای رشد و تعالی دانسته شده، و به عنوان یک تکلیف دینی - اجتماعی مطرح است؛ چه به این وسیله رشد و توسعه لازم پدید می آید، مردمان از فرهنگ بایسته و شیوه زندگی درست برخوردار می شوند، نیازهای محرومان و بینوایان برآورده می شود و اقدامات لازم برای بازستانی حقوق آنان از ستمگران و سرمایه داران انجام می گیرد» (۴)

و در قانونمداری می خوانیم:

«قانونمندی یعنی انسان برای برپاداری و حاکمیت قانون در جامعه برآستی یکوشد، سعادت مردمان و سلامت جامعه را در نهادینه شدن قانون بداند، هیچ چیز را مانع گسترش قانون نداند و با نفوذناپذیری و استواری ترقندبازان را به اطاعت از قانون وادارد و با قانون شکنان برخورد قاطع و شدید کند، همه را در برابر قانون مساوی بداند و یکسان بنگرد، مصلحان را همسان با تبهکاران و فسادجویان قرار ندهد، عمل به قانون را کمال و پایه ارزش انسانیت هر فرد بداند و آن را با هیچ چیز به معامله



حقوق مالی، اصل شرکت فقرا در داراییها) موضوع مهم برادری ایمانی، همبستگی اجتماعی، خرافه زدایی، علم محوری، بینش عقلانی، از عناصر اصلی فرهنگی توسعه دینی به حساب آمده است.

فصلهای ۱۴ تا ۱۸ فصول پایانی جلد اول را تشکیل می دهند و در آنها انواع حکومتها و نظامها، ساختارهای اقتصادی - اجتماعی، عوامل طبیعی توسعه نافتگی (آب، خاک، مواد معدنی) و حوادث طبیعی (زلزله، سیل، طوفان، بیماریها و آفات و ...) بررسی می گردد. در این زمینه با استفاده از تعالیم اسلامی آمده است:

«زلزله، آتشفشان، توفانهای مرگبار، بارانهای سیل آسا، سنگهای آسمانی و صاعقه ها که از جمله حوادث طبیعی به شمار می روند و خسارات زیادی را به همراه می آورند، نادرست است که از عوامل طبیعی فقر دانسته شوند؛ زیرا این امور آکنده از مصالح نوعی است، و همراه یا تحریک عامل یقا و زیست جانداران است... و چه بسا مصلحت هایی که در این حوادث نهفته است که از دید انسانها مخفی مانده است... گاه این حوادث به عملکردها و رفتارهای نادرست انسانها در روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برمی گردد.» (۸)

جلد ۲:

جلد دوم کتاب با مسائل مربوط به جمعیت شروع می شود و در آن رشد ناموزون جمعیت به عنوان یکی از علل اصلی توسعه نافتگی شمرده شده است. کاهش درآمد سرانه، گسترش شهرها، کمبود مواد غذایی و مسکن، افزایش بیکاری و مفاسد اجتماعی؛ مهاجرت و آسیبهای زیست محیطی از جمله پیامدهای رشد افسار گسیخته و غیر مسئولانه جمعیت به حساب آمده اند.

انواع اقدامات برای مهار رشد جمعیت و حل این مشکل در فصل سوم آمده است که به راههای عملی اجتماعی، روشهای غیر انسانی (فرزندکشی، کشتار عمومی، سقط جنین) و راه حل های آرمانی (سفر به دیگر سیارات) تقسیم شده اند.

در فصل چهارم پدیده جمعیت با نگرش اسلامی بررسی شده و آیات و احادیثی در تکوین رشد جمعیت آمده است و ظاهر برخی از روایاتی که فزونی جمعیت را می ستایند به گونه ای توجیه می گردد و در پایان نظریه اعتدال جمعیتی را به عنوان یک نظریه اسلامی و مطلوب می شناساند.

در فصل پنجم نکات ارزنده ای درباره پیشگیری از جمعیت نامتناسب با امکانات آمده است.

در این فصل می خوانیم:

«رشد جمعیت، زمانی روند مطلوب را داراست که متناسب با امکانات و تواناییهای خانواده و جامعه باشد. تحقق این امر زمانی است که آدمی در تولید نسل، همانند سایر ابعاد زندگی از حد میانه و اعتدال فراتر نرود، و رشد جمعیت از انگیزه های نادرست و غیرانسانی ناشی نشود و به تفریط زیان آور و افراط فسادانگیز نگراید. از ظاهرینی و سطحی نگری پرهیز شود و افزایش نسل، خردمندانه و عاقبت اندیشانه صورت گیرد.» (۹)

فصل ششم نقش دولت در توسعه است. اقدامات دولت در این



نگذارد.» (۵)

و در شیوه زندگی زمامداران و مدیران آمده است:

«در نظام دینی، مدیران می بایست به سطح زندگی همسان با توده مردم بسنده کنند و از این راه پوچی مصرف گرایی و تجمل پرستی را به دیگران بنمایانند، و از هزینه های اسراف آمیز و حیف و میلها جلوگیری کنند تا این شیوه ها ارزش و موقعیت اجتماعی انگاشته نشود. و از سویی فرودستان در زندگی اقتصادی - اجتماعی دچار اضطرابها و ناامنیها نگردند و در گرداب بزهکاریها و درآمدهای ناسالم نیفتند... اصل ساده زیستی در اصلاح نظام سیاسی از عوامل مهم واگذاری قدرت به مصالحان راستین است، و از نفوذ هواپرستان سلطه طلب در مرم قدرت می کاهد... نظام دینی مدیرانی می طلبد که فواید از زندگی شخصی خود و فامیلشان بپندیشند. آنان باید چشم از کالا و امکانات ببوشند و فریفته زرق و برق دنیا نگردند.» (۶)

فصل دهم درباره فقر فرهنگی است و برداشتهای نادرست، خودباختگی، بیگانه گرایی و مصرف زدگی را از عوامل اصلی در این زمینه به حساب می آورد و نقش شرکتهای چند ملیتی و تیز رسانه ها را در ترویج مصرف گرایی بازگو می کند.

در فصل یازدهم با توجه به تعالیم اسلامی در این باره می خوانیم:

«فقر فرهنگی انواع وابستگیهای فرهنگی را به همراه دارد. در تمام مسائل زندگی، جامعه از معیارهای خود روی می گرداند و به معیارهای بیگانه می گراید، این روند به مرگ استعدادها و مختلف در جامعه می انجامد. مردمی که در فقر فرهنگی به سر می برند زمینه مناسبی برای اجرای نقشه های شیطان صفتانند، به ندای انحرافی آنها پاسخ مثبت می دهند و در جهت مطلوب آنان حرکت می کنند.» (۷)

فصل ۱۲ و ۱۳ به نقش فرهنگ در توسعه می پردازد. خدا محوری، ظلم ستیزی، راستی و درستکاری، کار و تلاش، ریاضت اقتصادی، مشارکت عمومی، نظم و انضباط، امانتداری قانونمندی، امید، نزدیکی سطح زندگیها (با تکیه بر موضوعاتی چون؛ انفاق، مواسات و مساوات اسلامی، وام دهی،

زمینه عبارتند از سرمایه‌گذاری‌های مولد، ایجاد فضای امن برای رشد و توسعه، هدایت تجارت خارجی، کاراساختن نظام اداری، انجام تحولات فرهنگی و اجتماعی. ابزارهای دخالت دولت را سیاست‌های مالی و پولی و کنترل‌های قانونی تشکیل می‌دهند. در خلال این بحثها نکات فراوانی مطرح گردیده است. در فصل هفتم تعالیم اسلامی در این باره ارزیابی شده و در آن آمده است:

«دولت موظف است نظام اداری درستی را پی‌افکند... از ناهماهنگیها، ندانم کاریها، فساد و رشوه، کاغذبازی، وقت‌کشی و هر گونه فساد اداری مانع گردد و بایه‌کارگیری مدیران متعهد و نخبه‌بستر مناسب برای رشد اقتصادی و اجرای درست سیاست‌های اقتصادی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی را فراهم سازد... مسئولیتها باید به خردمندانی سپرده شود که هدفی جز خدمت و انجام وظیفه در سر نبروراند، با گسترش قانونمندی، فساد، رشوه، پارتی و رابطه‌گرایی را برچینند و زیان‌گویای حق و عدالت شوند. با کار و رفتار مطلوب، نارواها و نسیبتهای ناشایست را از چهره نظام دینی بزایند.» (۱۰)

فصل هشتم و نهم به استفاده بهینه از منابع و امکانات و نیروی انسانی می‌پردازد و بر اصلاح فرهنگ مصرف آب و بهره‌گیری مناسب و درست از آنها، زمین، منابع دریایی، غذا و انرژی تأکید می‌ورزد و به احیای مراتع و جنگلها، کویرزدایی، جلوگیری از فرسایش خاک (آب، باد، دامها) اشاره می‌کند و مطالبی را درباره استفاده از کودهای شیمیایی، چگونگی بهره‌وری درست از سیلابها و بارانهای فصلی، کشت گیاهان خاص، مکانیزاسیون بخش کشاورزی و بازیافت مواد ارانه می‌دهد.

در فصل دهم که برداشتهایی از تعالیم اسلامی در این زمینه است، می‌خوانیم:

«نیروی انسانی هر جامعه از مهمترین سرمایه‌های آن است. کارها و امور جامعه به دست آنها اداره می‌شود. خلاقیتها را آنان می‌آفرینند، و صنایع و فنون به وسیله آنها رونق می‌یابد. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بایسته می‌تواند نیروی انسانی آن را در مسیر درست هدایت کند، متخصصان و معزهای علمی جایگاه مطلوب را بیابند، رهیافتهای حیات بخش ارانه دهند و با آمیزش علم و عمل، آرمانها و کمال‌های مطلوب تحقق یابد.» (۱۱)

فصل یازده مصرف‌گرایی را بررسی می‌کند و اینکه چگونه روند مصرف‌گرایی در جهان توسعه یافته و در حال توسعه آثار زیانبار و گاه تجدید ناپذیر بر جای می‌گذارد. در این نگاه سلطه‌جویی جهان سرمایه‌داری، رفاه‌طلبی، هم‌چشمی و رقابت، نظام‌های فاسد، کج‌روی‌های فرهنگی، کشف نفت و گاز، انقلاب صنعتی، تبلیغات و رسانه‌های ارتباط جمعی و ناامنیهای اقتصادی روند مصرف‌گرایی را شدت بخشیده‌اند. نگرش اسلامی در این باره در فصل ۱۲ کتاب آمده است و چنین می‌خوانیم:

«مصرف سازگار با تعالیم دین، مصرف در حد کفایت است، یعنی مصرف برای زندگی و تأمین نیازها که به گونه معقول و

منطقی و براساس امکانات شکل گیرد، حقوق دیگران در آن رعایت شود و به محیط زیست انسان و دیگر جانداران آسیب نرساند... زندگی عاری از کرامت نفس و صفای باطنی، سستی و کاهلی و عدم دستیابی به بلوغ فکری و نبوغ عقلی، مرگ انسانیت و فضایل انسانی، کاهش پس‌اندازها، از جمله پیامدهای مصرف‌زدگی است و مصرف بی‌رویه، روش زندگی سلطه‌جویان و جباران و مستکبران است... دین، مصرف بی‌رویه را دون شأن انسانیت دانسته، آن را با طبع اصیل انسان ناسازگاری می‌داند و ممنوع کرده است.» (۱۲)

فصلهای ۱۳ تا ۱۵ درباره تغذیه و مسائل مربوط به آن است. اسراف و مصرف نادرست مواد غذایی، رشد جمعیت، نارسایی حمل و نقل، ضایعات مواد غذایی، شرایط طبیعی، سیاست‌های تجاری از عوامل کمبود مواد غذایی شمرده شده است. عوارض ناشی از سوء تغذیه (مرگ و کوتاهی عمر) و دیگر اختلالات جسمی و روانی ناشی از آن به ویژه در کودکان یادآوری گردیده است.

در فصل چهاردهم چنین می‌خوانیم:

«برآوردها نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه نیافته، بیش از یک میلیارد نفر دچار سوء تغذیه هستند و نیمی از این تعداد به طور دائم، در گرسنگی به سر می‌برند... جمعیت زیاد آسیا باعث شده است که بسیاری از سوء تغذیه‌ها در این نقطه از جهان واقع شود. ۴۷ درصد کودکان در بعضی از نقاط این قاره از سوء تغذیه رنج می‌برند.» (۱۳)

درباره مصرف مواد غذایی در جهان آمده است:

«آمریکای شمالی، اروپا... جزء مناطقی می‌باشند که بیش از



۲۰ درصد بالاتر از نیاز بدن مصرف مواد غذایی دارند... نیمی از جمعیت جهان که از جمله آنها چین و هندوستان است، بین صفر تا ۱۰ درصد کمتر از حد نیاز بدن غذا مصرف می کنند. (۱۴)

فصلهای ۲۱ - ۱۶ به روند تحولات پولی، تورم و پیامدهای آن و راههای مقابله با تورم و نقش نرخ بهره در توسعه اقتصادی و نیز مفهوم ربا و بهره در نگرش اسلامی، پرداخته است و آگاهیهای فراوانی را در این زمینهها ارائه می دهد.

تاریخچه ظهور پول در مبادلات و تعریف آن، نقشهایی را که پول در نظام اقتصادی ایفا می کند، تعریف تورم و انواع آن و اثرات تورم بر مصرف، پس انداز، بودجه دولت، ساختار اقتصاد، برنامه های توسعه، تصمیم گیریهای اقتصادی و تجارت خارجی در این فصلها به تحریر درآمده اند و نیز مشکلاتی که مبارزه با تورم با آنها روبروست از نظر می گذرد و نقش سیاستهای مربوط به تقاضا، عرضه و اصلاح سیستم توزیع در مهار تورم نشان داده می شود.

در فصل ۲۰ نرخ بهره و تعریف آن و اندیشههایی که در این باره وجود دارد، مورد توجه است. دلایل طرفداران نظارت و تعیین سقف نرخ بهره و نیز دلایل طرفداران نرخ بهره رقابتی مطرح می گردد و سیاست کسری بودجه و ساختار بازار مالی در جهان سوم ارزیابی می شود.

فصل ۲۱ بر آنست که نگرش اسلامی مسأله ربا را بازگو کند. در این راستا از مفهوم ربا و انواع آن و فلسفه حرمت ربا سخن به میان می آید. انواع قرض، دلایل طرفداران حرمت مازاد در قرض مصرفی و کسانی که به طور مطلق به حرمت مازاد در قرض معتقدند مطرح می شود. آن گاه تفاوتها و مشترکات پول صدر اسلام با پول معاصر تبیین می گردد و ربا را از نظر جریان نرخ تورم بررسی می کند و به شاخصها در این زمینه اشاره دارد و بحث مثلی و قیمی بودن پول به میان می آید، وظایف بانکها را برمی شمارد و ضرورت وجود آنها را یادآور می شود و راهکارهای فقهی در این زمینه و سیستم بانکداری بدون ربا بررسی و نقد می شود.

فصل ۲۲ بزرگ مالکی به عنوان یکی پدیده زیانبار، بوی جوامع بشری مطرح شده است و در فصل ۲۳ با نگرش اسلامی به این موضوع آمده است:

«منابع دریاها، منافعی که از انواع موجودات زنده عاید انسان می شود، مواد سوختی، مراتع، آبها، باران و نزولات جوی، تجارت و صید در دریاها و... به همه انسانها تعلق دارد.

امکانات میان همه تقسیم شده است. حقوق ضعیفان توسط آنها به یغما رفته است و مردم در دام استثمار آنها گرفتار آمده اند. آنان باغستانها، چشمه سارها، کشتزارها و اقامتگاههای مناسب را در انحصار خود در آورده اند، نعمتها را از آن خود ساخته اند. (۱۵)

فصلهای ۲۷ - ۲۴ فصول پایانی جلد دوم کتاب است و به پیامدهای سیاسی و اقتصادی فقر نگریسته شده است. با مطالعه آنها به روشنی می توان دریافت که چگونه فقر باعث صدور مواد اولیه با ارزش از کشورهای جهان سوم می شود و چسان واردات بی رویه پتانسیل های اقتصادی آنها را ناکام می سازد و چرخه

وابستگی تباهی آفرین به سود کشورهای توسعه یافته رقم می خورد و زمینه های سودهای ناسالم در اقتصاد فراهم می آید. در فصل ۲۷ با نگرش اسلامی به پیامدهای اجتماعی فقر می خوانیم:

«فقر گاه انسان را به راههای نادرست کسب درآمد، تعدیه، مسائل جنسی و... وامی دارد. و به فراموشی ارزشهای دینی، بی مبالاتی و چه بسا کفر و بی دینی می انجامد. در این حالت، اقدامات مثبت اقتصادی - اجتماعی، ایفای نقش سازنده و مفید در جامعه برای فرد فراموش شده است.

فقر می تواند شخصیت واقعی انسان را واژگون جلوه دهد، ویژگیهای پسندیده و نیک فرد را در نظرها زشت سازد و رفتارهای درست انسانی را نا آگاهی و انحرافی بنمایاند، و مردمان را به خشم آرد...

فقر ناهنجاریها، انحرافات و مفاسد اجتماعی را افزون می سازد؛ چه بسا حق پوشیها، فسادها و خودکشیها که از نبود توانمندی مادی مایه می گیرد. (۱۶)

جلد ۳:

فصل نخست این جلد به پدیده تجارت جهانی و رابطه آن با توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم اختصاص یافته است. از زاویه سه نظریه: مرکز پیرامون، مبادله نابرابر و وابستگی این موضوع بررسی می شود و آن گاه سخن از کاستیها و محدودیتها در این زمینه به میان می آید و مسائلی چون پیشینه تاریخی، جهت گیری جغرافیایی تجارت، رقابت مواد مصنوعی با مواد اولیه، انحصار تولید و خرید و تعیین قیمت و نیز انحصار حمل و نقل و واسطه های تجاری مطرح می شود. نوسانات پولی و پیامدهای فرهنگی و روانی از بحثهای دیگر این فصل است.

در فصل دوم دیدگاه کلاسیکها و نئوکلاسیکها درباره تجارت ارزیابی می شود و سپس مسائل مربوط به آن بررسی می گردد. در فصل سوم با عنوان تجارت و دادوستد در نگرش اسلامی اینطور آمده است:

«اصل تجارت و روابط اقتصادی با دیگر ملتها برای بهزیستی و رشد از اصول مسلم است که هر خردمندی به آن اذعان می کند... تجارت ویژه انسانهای ماهر، کارشناس و متخصص است. کسانی که قراردادهای، قانونهای تجاری، کم و کیف تولیدات در کشورهای مختلف، وضع بازار و قیمتها و قدرت چانه زنی را بشناسند، و به آگاهیهای لازم در این زمینه مجهز شوند، بتوانند خردمندانه بیندیشند، از پیش بینیها غافل نمانند و عاقبت اندیشه شان تصمیم گیری کنند. (۱۷)

فصلهای ۵ - ۴ ویژه کارتلها و شرکتهای چند ملیتی است و در آن با یادآوری شاخص سرمایه ای این شرکتها و ویژگی های فنی و مدیریتی آنها؛ عملکرد شوم آنها نشان داده شده است، که چگونه این غول های اقتصادی جهان به چپاول ثروتها و منابع می پردازند و با کنترل امور بازرگانی و نیز افکار عمومی از کانال نفوذ بر رساله ها و شگردهای ناجوانمردانه پیدا و پنهان در راستای کسب درآمد و سود از هر شیوه ای استفاده می کنند، چگونه حکومتها را واژگون می سازند، انقلابها را به بن بست می کشانند و چگونه برای فروش تسلیحات نظامی جنگهای



منطقه‌ای برمی‌افروزند و با ترفندهای ویژه خود شخصیتها را از میان برمی‌دارند و با شیوه‌هایی چون دامپینگ، (۱۸) بایکوت، حق امتیاز و مانند آن، حرکت‌های توسعه‌ای را درهم می‌کوبند و با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در معادن و منابع مهم و سرنوشت‌ساز، ارکان اقتصاد جهانی را در سلطه خویش نگه می‌دارند.

فصل ششم به استعمار می‌پردازد، ماجرای آشنا و غم‌انگیزی که تقسیم جهان به دو قطب غنی و فقیر از آن جا آغاز گشته است. با مطالعه این فصل می‌توان دریافت که چگونه رفاه و توسعه کنونی در دنیای توسعه‌یافته با استعمار و غارت جهان سوم (در گذشته‌ای نه چندان دور) شکل گرفته است. و هزینه این توسعه را کشورهای مستعمره پرداخته‌اند که به قیمت نابودی اقتصاد وهستی‌شان تمام شده است و در مبادله‌ای ناپرابر همراه با رفتارهای وحشیانه و غیرانسانی ثروت کشورهای مستعمره توسط استعمارگران بی‌رحم تاراج شده است و اکنون در شکلی نوین و مدرن این روند ادامه دارد.

نقشی که استعمار در آموزش و نظام اداری این کشورها و در ساختار اجتماعی - سیاسی آنان بر جای گذاشته است نیز در این فصل ارزیابی شده است.

فصل هفتم پدیده نظام سرمایه‌داری و استکبار جهانی را از زاویه تعالیم اسلامی ارزیابی می‌کند و در آن آمده است:

«در طول تاریخ زندگی انسان، سلطه‌جویان، زراندوزان، شیفتگان دنیا و انحصارطلبان همواره در برابر حرکت انبیا، ارزشها و رهنمودهای دین ایستاده‌اند، ... طاغوتان اقتصادی همواره بذر فتنه کاشته، شرارت و فلاکت را عاید مردم ساخته‌اند، خطاها و نابسامانیها را آنان پدید می‌آورند، آرزوهای خیالی و بلندپروازانه آنها دسته‌هایی از مردم را به قربانگاه فقر و تهیدستی سوق داده است. انحصار اموال و امکانات در دست آنها و عملکردهای نادرست و غیرانسانی آنان به اختلاف طبقاتی و ظلم اقتصادی ویرانگر در جهان انجامیده است و بسیاری از انسانها را از داشت کمترین امکانات محروم ساخته است.» (۱۹)

فصلهای ۹ - ۸ به سلطه‌جویی کشورهای پیشرفته به عنوان یکی از علل فقر کشورهای جهان سوم می‌پردازد. با مطالعه این قسمت خواننده درمی‌یابد که چگونه سلطه‌گران بازرگانی جهانی را در انحصار خود دارند، جوامع را تک‌محصولی نگه می‌دارند و تولیدات آنها را در راستای اهداف خود سوق می‌دهند، از توسعه فنی واقعی جوامع جلوگیری می‌کنند و به تخریب افکار عمومی می‌پردازند و از راههای مختلف که بسیار دقیق و شیطانی‌اند بر اقتصاد کشورها مسلط می‌گردند.

فصل ۱۰ و ۱۱ هزینه‌های نظامی را به عنوان یکی از علل فقر عنوان می‌کند. و آمارهایی از هزینه‌های نظامی در سطح جهان ارائه می‌دهد که بیانگر دور ناخودآگاه عقب‌ماندگی در کشورهای در حال توسعه است. در حالی که فقر و نابسامانی در جامعه پدید می‌آید بودجه‌های کلانی برای خرید تسلیحات نظامی اختصاص می‌یابد و به جای توسعه، عمران، آبادی و فقرزدایی این کشورها به سلاح‌هایی مجهز می‌شوند که در روند توسعه جهانی و منطقه‌ای هیچ به حساب می‌آید بلکه مانعی

بزرگ می‌باشد و به عنوان الاینده‌ها در محیط زیست انسانی مطرح است.

در فصل ۱۲ عنوان ماهیت وامها و کمکهای خارجی بازشناسی شده است. انواع این کمکها و اهداف کشورهای وام‌دهنده و وام‌گیرنده بررسی می‌شود و دیدگاههای موافق و مخالف در این باره از نظر می‌گذرد و در پایان به پیامدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کمکها می‌پردازد. و ماهیت سلطه‌طلبانه و استعماری آنها بر ملا می‌سازد. و این اندیشه اصولی رهبران جهان سوم را که: «باید به نان جوین خود بسنده کرد و دست به سوی دشمن دراز نمود» اثبات می‌کند و این تعلیم‌والای دین را روشن می‌سازد که: «احتج‌الی من شئت تکن اسیره»: به هر کس خواهی نیازمند باش، اسیر او می‌شوی.

فصل ۱۸ نگاهی است به روند توسعه در ژاپن و این که چگونه این کشور با وجود مشکلات فراوان و کمبود منابع طبیعی، توانست با برنامه‌ریزی مناسب و مدیریت درست و کار پیوسته و ریاضت اقتصادی و صرفه‌جویی دقیق به توسعه کشاورزی، و صنعتی دست یابد و سرمایه‌های لازم را فراهم آورد و با تلاش همگانی خستگی‌ناپذیر، سیاست‌گذاری، اقتصاد رقابتی بر بسیاری از نابسامانیها فائق آید و همتای کشورهای پیشرفته شود.

مطالب این فصل یادآور بسیاری از تعالیم اسلامی درباره رفتار انسانی و کار و تلاش انسان و قناعت و صرفه‌جویی در دوران توسعه است.

فصل ۱۹ درباره بهداشت و توسعه است. مفهوم بهداشت، آموزش آن و سیاستهای توسعه بهداشتی از جمله مطالب این فصل اند. با مطالعه آن می‌توان دریافت که چگونه با بهره‌وری بهینه و بجا از امکانات و با استفاده از نیروهای کارآموده، می‌توان بر مشکلات بهداشتی فائق آمد. همچنین به ضرورت دولتی بودن خدمات بهداشتی و اهمیت مسأله پیشگیری اشاره می‌شود و در پایان اقدامات بهداشتی در زمینه آب و تغذیه و... یادآوری می‌گردد.

فصل ۲۰ ویژه محیط زیست است و در آن آگاهیهای مفیدی درباره عوامل آلوده‌کننده محیط زیست آمده است، که آلاینده‌های شیمیایی (و منابع آنها)، سوخته‌های قسبلی، دفع غیر اصولی زباله‌ها از آن جمله‌اند.

آثار این آلودگیها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که چگونه به افزایش دمای زمین می‌انجامد، از منابع غذایی جهان می‌کاهد، به اقیانوسها و دریاها آسیب می‌زند، از عوامل نازک‌شدن لایه اوزن و شیوع بیماریهای جسمی و روانی می‌باشد و نیز انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی با آن پیوندی ناگسستی دارد. در پایان راههای مقابله با بحران زیست محیطی یادآوری می‌شود.

فصل (۲۱)، فصل پایانی جلد سوم است که همین مسأله را با نگرش اسلامی بررسی می‌کند و راههای اخلاقی، اقتصادی، فقهی و حقوقی را در راستای حفاظت از محیط زیست مطرح می‌سازد.

جلد ۴:

جلد چهارم کتاب دارای ۲۶ فصل است. در فصل نخست عوامل بیکاری مدنظر قرار می‌گیرد که عبارتند از: رشد جمعیت، کمبود سرمایه، فقدان رشد صنعتی، مکانیزه کردن بخش کشاورزی، ناکارردانی و نبود مهارت و تخصص، مهاجرت و... نیز در این فصل کار کودکان و مسأله زنان و اشتغال قابل توجه است.

فصل دوم درباره اشتغال است که همراه با یادآوری ضرورت ایجاد اشتغال، زمینه‌های اشتغال بررسی می‌گردد. که گسترش صنایع کاربری، زدایش انحراف قیمت عوامل تولید، اصلاح سیاستها و برنامه‌ریزی‌ها، کاهش سن بازنشستگی، سرمایه‌گذاری و کنترل جمعیت مهمترین آنها هستند. فصلهای سوم تا دوازدهم به مسائل مختلف بخش کشاورزی می‌پردازد و



فصل ۱۵ - ۱۳ به سرمایه‌گذاری اختصاص دارد و از عوامل زمینه‌ساز و اهداف سرمایه‌گذاری سخن رفته است. و به نقش حیاتی سرمایه‌گذاریهای تولیدی و زیان سرمایه‌گذاریهای تجملی و اسراف (چون ساختمان‌های مجلل دولتی، هزینه‌های زائد، سمینارها و همایش‌های بی‌فایده، تشریفات بی‌خاصیت و...) پرداخته است.

در فصل ۱۴ پایین‌بودن سطح سرمایه‌گذاری از جمله علل توسعه‌نیافتگی دانسته شده است در فصل ۱۵ ضرورت‌های سرمایه‌گذاری، عوامل سرمایه و اولویتها در این زمینه بررسی می‌شود و آن‌گاه آثار سرمایه‌گذاری درست یادآوری می‌گردد.

در فصل ۱۶ نویسنده نقش کمکه‌های خارجی را در توسعه ارزیابی می‌کند و در این میان به مشکل بدهیها و بازپرداخت وامها می‌پردازد و پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد و آن‌گاه به نقش مؤسسات مالی، بین‌المللی در توسعه جهان سوم اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که این مؤسسه‌ها بیشتر در سلطه کشورهای سلطه‌گر و ثروتمند دنیایند و بعنوان ابزارهای مکمل و اجرایی سیاست خارجی آنها عمل می‌کنند و کشورهای در حال توسعه در مدیریت آنها نقشی ندارد.

در فصل ۱۷ بدیندوامها با نگرش اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد. وام بی‌قید و شرط استثماری و با انگیزه‌های الهی و انسانی مصداق کار نیک (معروف) است و به رشد و پیشرفت اقتصادی می‌انجامد و وام با هدف سلطه‌گری و سودجویی نامشروع است. «اسلام به فرد، نهاد یا دولت اجازه نمی‌دهد که وام را با شرایطی دریافت کند که اساس استقلال همه جانبه آن آسیب‌پذیر گردد و بیگانگان بر جامعه اسلامی سلطه

انواع راهکارها در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد، حدود ۱۵۰ صفحه از حجم این جلد را این فصلها دربر گرفته‌اند. در فصل ۱۲ درباره کشاورزی در پرتو تعالیم اسلامی چنین می‌خوانیم:

«کشاورزی در اسلام از بهترین شغلها و پاکیزه‌ترین راههای کسب درآمد است. همه انبیای الهی - به جز چند تن - کشاورز بوده‌اند و با تولید محصولات کشاورزی در راستای تأمین زندگی خود و نیازمندان تلاش کرده‌اند... از دیدگاه تعالیم دین، کشاورزی باید بتواند فراتر از رفع نیازهای جامعه دینی، و بیش از تأمین نیازهای غذایی، صنعتی، دارویی و بهداشتی حیات انسان را شکوفا سازد و رشد کند. بجاست گونه‌های حیوانات و حیات وحش از آن بهره‌مند شوند و انسانها از آن جهت که آفریده خدایند - با هر عمل یا مرام و عقیده - از محصولات کشاورزی استفاده کنند.» (۲۱)

فصلهای ۱۶ - ۱۴ درباره توسعه صنعتی و فنی و مسائل مختلف و گوناگون در این زمینه است و درباره انتخاب و انتقال تکنولوژی نکات ارزنده‌ای را پیش روی خواننده قرار می‌دهد و حاوی نکات شایان توجه فراوانی است.

در فصل ۱۶ درباره تکنولوژی وارداتی با استناد به تعالیم حدیثی می‌خوانیم:

«دین به یافته‌ها، تحقیقات و دانشهایی که انسانها به دست آورده‌اند، ارجح می‌نهد. از صفر شروع کردن را نمی‌پسندد و استفاده از تجربه‌های آماده دیگران را غنیمت می‌داند. براساس این بینش، انتقال علم و تکنولوژی از دیگر کشورها توجیه‌پذیر است و اصولاً علم در انحصار هیچ فرد یا جامعه‌ای نیست. آنچه در این زمینه اهمیت بسیار دارد، فراست و هوشمندی است. با سلاح علم و عقل باید در انتخاب تکنولوژی و انتقال آن با دوراندیشی همه جوانب (... مدنظر قرار گیرد.» (۲۲)

فصلهای ۲۰ - ۱۷ به مسائل توزیع درآمد و نابرابریها در این زمینه اختصاص دارد. توزیع نابرابر درآمد در سطح جهان و نیز در کشورهای جهان سوم و علل این نابرابریها و نقش آن در فقر از مباحث فصل ۱۷ است. در فصل ۱۸ سیاستها و ابزارهایی که در راستای توزیع عادلانه درآمدها مؤثرند ارائه می‌گردد و نویسنده به مسائل فراوانی اشاره می‌کند. فصل ۲۰ که با عنوان «عدالت اجتماعی - اقتصادی با نگرش اسلامی» مطرح شده است، دارای سه محور اساسی است: ۱ - ضرورت حاکمیت عدالت ۲ - قلمرو عدالت‌ورزی ۳ - سازوکارهای تحقق عدالت اقتصادی - اجتماعی.

در این فصل با نگرشی به عدالت به عنوان یک نیاز همگانی و پایه دین می‌خوانیم:

«عدالت این گواراترین جوهر حیات، به عنوان یک نیاز اساسی و خواست همه مردمان در جوامع بشری مطرح بوده، هست و خواهد بود. عدالت را می‌توان... از ارکان دین دانست، چه حیات ارزشهای دینی و هدایت‌های دین با آن معنا و مفهوم می‌یابد و در پرتو آن شکوفا می‌شود و نقش سازنده خود را در اصلاح فرد و جامعه و زیست درست و هدفدار آدمی می‌نمایاند. با عدالت می‌توان حق را استوار ساخت، و با عمل به حق به معیار

اجرای عدالت دست یافت، و به صراط پرهیزگاری گام نهاد و رتبه‌های ایمان را پیمود و به کمال رسید. عدالت محوری پیروی از قانون عام آفرینش است، چنانکه سیره اتیباست و عصاره پیام و رسالت همه مصلحان برای رستگاری و سعادت آدمی.» (۲۳)

فصل ۲۱ به تأمین اجتماعی ویژگی یافته است و در آن مفاهیمی چون تکامل عمومی، تعاون و رفاه اجتماعی و... تعریف می‌شود و آن گاه نویسنده به مسائل مربوط به بیمه و پیشینه تاریخی آن و نقش آن در دنیای معاصر می‌پردازد، سپس با ارائه نظریه‌های اجتماعی، اهداف و سیاستهای تأمین اجتماعی را با عنوانهایی تبیین می‌کند.

فصل ۲۲ درباره مسائل مربوط به آموزش در نگرش اسلامی، نکات شایان توجهی دارد.

فصلهای ۲۶ - ۲۳ کتاب بخش پایانی آن را تشکیل می‌دهند که همه درباره برنامه‌ریزی و مدیریت است و از دو بعد؛ عامل توسعه نیافتگی و نیز راهکار توسعه این موضوع مورد توجه واقع می‌شود و در دو فصل پایانی، تعالیم اسلامی درباره مدیریت و برنامه‌ریزی آمده است و کتاب با آن پایان می‌یابد.

پی‌نوشتها:

- ۱ - پدیدمثنوی فقر و توسعه، ج ۱ (نظارت و اشراق: محمد حکیمی)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۶ - ۸۴.
- ۲ - همان، صص ۲۳ - ۱۲۱.
- ۳ - همان، صص ۶۱ - ۱۶۰.
- ۴ - همان، صص ۱۹۶.
- ۵ - همان، صص ۱ - ۲۰۰.
- ۶ - همان، صص ۶ - ۲۰۴.
- ۷ - همان، صص ۳۶ - ۲۲۵.
- ۸ - همان، صص ۶۴ - ۴۶۳.
- ۹ - همان، ج ۲، صص ۴ - ۸۳.
- ۱۰ - همان، ج ۱، صص ۲۳ - ۱۳۱.
- ۱۱ - همان، ج ۲، صص ۶ - ۲۰۵.
- ۱۲ - همان، ج ۲، صص ۲۹ - ۲۲۵.
- ۱۳ - همان، ج ۲، صص ۴۵ - ۲۴۴.
- ۱۴ - همان، ج ۲، صص ۲۴۷.
- ۱۵ - همان، ج ۲، صص ۲۴ - ۴۲۲.
- ۱۶ - همان، ج ۲، صص ۵۵ - ۴۵۳.
- ۱۷ - همان، ج ۳، صص ۴ - ۷۲.
- ۱۸ - دلبینگ، به مفهوم صلور کالا به ارزش کمتر از قیمت عادی است که با انگیزه‌های مختلف ممکن است صورت گیرد.
- ۱۹ - همان، ج ۳، صص ۷۵ - ۱۷۳.
- ۲۰ - همان، ج ۳، صص ۹۹ - ۲۹۸.
- ۲۱ - همان، ج ۳، صص ۸۴ - ۱۸۳.
- ۲۲ - همان، ج ۳، صص ۶۴ - ۲۶۳.
- ۲۳ - همان، ج ۳، صص ۲۲ - ۳۲۲.